

به بهانه چهارمین سال توقیف مطبوعات در اردیبهشت ۷۹

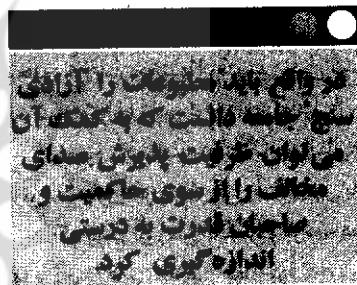
# طلایه‌داران آگاهی

بنیامین صدر

مطبوعات به عنوان رسانه‌ای قدرتمند، از مهمترین ابزار تأثیرگذار در جوامع به شمار می‌روند و بر ارزش آنها هنگامی افزوده می‌شود که بدون ترس و پرده‌پوشی، حقایق را برای مردم بازگو کنند و خط‌مشی آنها با وجود تمام فشارها و خطرهای احتمالی، در راستای اصلاح ساختار سیاسی حاکم باشد و نه در تأیید وضع موجود، در واقع نخستین تصویری که از مطبوعات در اذهان نقش می‌بندد خبررسانی شفاف و ارتقای اطلاعات و آگاهی جامعه از واقعیت‌ها و رخدادهای پیدا و پنهان پیرامون آن است.

قطلاً هیچ چیز و هیچ کس به اندازه مطبوعات مستقل و آزاد نمی‌تواند در ارتقای آگاهی‌های اجتماعی مؤثر باشد یا با افشاگری، مردم را در روشن شدن زوایای تاریک یک پدیده مهم اجتماعی یاری رساند و این زمانی تحقق می‌یابد که نخبگان و توده مردم به واسطه روشننگری‌های مطبوعات بتوانند بر عملکرد حاکمیت و افراد تأثیرگذار بر جریان کل جامعه، نظارت دقیق و مستمر داشته

باشند، رفتارهای صاحبان قدرت را در همه شئون زیر نظر بگیرند و با بررسی میزان پایبندی نهادهای وابسته به قدرت و ثروت به رعایت قانون، عملکردشان را به دایره نقد بکشانند.



مطبوعات با پایبندی به این اصل که تمام شهروندان در

برابر قانون از حقوق مساوی برخوردارند، باید در مسیر بیان حقایق حرکت کنند و در این راه خود را موظف به پاسخگویی در قبال خواست‌ها و مطالبات به حق مردم بدانند، از این رو درباره میزان توسعه‌یافتگی کشورها می‌توان با توجه به عملکرد مطبوعات و به طور کلی رسانه‌های جمعی همان جوامع قضاوت کرد. به بیان دیگر با دقت به ترسیم خط قرمزها و مرزهای تعریف شده از سوی حاکمیت است که می‌توان به تعریف روشنی از مقدار توسعه‌یافتگی جوامع دست یافت. از این گذشته، مطبوعات به عنوان رکن چهارم دموکراسی - خط قرمزهای آزادی و حدود آن را به خوبی مشخص می‌کنند؛ در واقع بید مطبوعات را "آزادی سنج" جامعه دانست که به کمک آن می‌توان ظرفیت پذیرش صدای مخالف را از سوی حاکمیت و صاحبان قدرت به درستی اندازه‌گیری کرد.

هر حکومتی که ادعا دارد مردم در بیان خواست‌ها و مطالبات خود آزادند، باید به مطبوعات این مجال را بدهد که بتوانند آزادانه مطالبات مردم را به گوش زمامداران امور برسانند و آینه انعکاس صدای مردم باشند. دستیابی به آزادی بی‌قید و شرط سیاسی و برقراری حاکمیت ملی بدون



برخورداری از مطبوعات آزاد، منتقد و بی‌پروا امری دست‌نیافتنی و محال است.

بر این اساس می‌توان با نگرشی دقیق و همه‌جانبه به میزان آزادی‌های سیاسی، میزان تن‌دادن حاکمیت به خواست مردم را نیز اندازه‌گیری کرد و با پی بردن به محدودیت کلی مطبوعات در قالبی مشخص و کنترل آن از سوی صاحبان قدرت، به جایگاه نقد و بازخواست ملی نیز در ماهیت ساختاری واقف شد.

\*\*\*

امروز فضای سیاسی ایران نیز با از سرگذراندن ناملایمت‌های گوناگون و کسب تجربه‌های گرانسنگه بی‌تردید دوران تازه‌ای از حرکت مردم را در راه برقراری حاکمیت ملی تجربه می‌کند. حرکت در راهی پرفراز و نشیب که طی یکصد سال گذشته همواره با وجود تمام فشارها و موانع پیشرو ادامه داشته و نه تنها از تکاپو باز نایستاده، بلکه در مقاطعی با موفقیت‌های کوتاه و زودگذر نیز همراه بوده است.

در شرایط امروز ایران، مطبوعات عمدتاً در راستای تبلور خواست‌های حاکمیت گام بر می‌دارند و با دچار شدن به نوعی خودسانسوری و هراس از توقیف در جهت اهداف جناحی درون حاکمیت حرکت می‌کنند. هر چند که هنوز هم گام‌هایی لرزان در راه آزادی از سوی برخی مطبوعات برداشته می‌شود، اما شرایط موجود حکایت از نوعی کانالیزه شدن مطبوعات دارد که این خود شاید هزینه‌ای دیگری باشد که برای پیشبرد توسعه سیاسی باید پرداخت!